



اما به چند جمع دیگر هم می توان اشاره کرد:

(۱) حمل روایات مانعه بر صورتی که بیع به قصد اکل واقع می شود.^۱

(۲) حمل روایات مانعه بر صورتی که بیع به قصد اعانه بر اکل واقع می شود.^۲

(۳) یمكن أن یقال فی مقام الجمع:

گفتیم انتفاع از میته جایز است الا انتفاعاتی که به وسیله دلیل خاص تحریم شده و یا متوقف بر طهارت باشند.

حال سوال آن است که یکی از انتفاعات، بیع و شراء است. آیا دلیل خاصی بر حرمت بیع و شراء میته داریم؟ در میان روایات، دو روایت مجوز بیع هستند - روایت صیقل و روایت ابوبصیر درباره خرید امام سجاد - و چند روایت مانع.

روایات حلبی، شاهد جمع بین روایت صیقل و روایت های مانعه است چراکه صریح روایات حلبی آن است که سائل می داند که حکم بیع میته حرام است و امام ضمن تقریر این فهم، جواز را مربوط به مستحل می دانند.

نکته با اهمیت آن است که در روایتی دیگر از صیقل خواندیم: «انی رجل صیقل، اشتری السیوف و ابیعهها من السلطان» در حالیکه سلطان در آن روزگار مستحل پوست میته بوده است.

اما روایت ابوبصیر، اولاً حمل آن روایت بر اینکه امام (ع) در صلوٰة احتیاط می کردند با توجه به خرید از سوق المسلمین، امری ممکن است.

ولی اگر هم چنین نباشد، این روایت هم به حکم تخصیص می زند و اساساً درباره «شراء مشتهبه» است. پس جمع ما چنین می شود:

خرید میته حرام است مطلقاً الا اگر مشتهبه باشد

فروش میته حرام است الا اگر خریدار مستحل باشد.

اما: به نظر می رسد ملازمه عرفیه ای داریم که اگر چیزی دارای منفعت حلال است، بیع برای آن منفعت جایز

است. اگر چنین ملازمه عرفیه ای را پذیرفتیم می گوییم: چون سابقاً ثابت کردیم انتفاع از میته - غیر از

انتفاعاتی که به دلیل مستقل تحریم شده اند - حلال است، عرفاً می توانیم بگوییم بیع برای آن انتفاعات جایز

۱. دراسات فی مکاسب المحرمه؛ ج ۱، ص: ۳۴۴

۲. دراسات فی مکاسب المحرمه؛ ج ۱، ص: ۳۴۴



است و ادله تحریم، حمل بر بیع برای انتفاعات حرام می شود؛ فتأمل.

فرعان:

مرحوم شیخ در پایان بحث دو فرع را مطرح می کنند:

➤ فرع اول)

«أنه كما لا يجوز بيع الميتة منفردة، كذلك لا يجوز بيعها منضمّة إلى مذكّی. و لو باعهما، فإن كان المذكّی ممتازاً صحّ البيع فيه و بطل فی الميتة، كما سیجیء فی محلّه، و إن كان مشتبهاً بالميتة لم یجز بیعه أيضاً؛ لأنّه لا ینتفع به منفعة محلّلة؛ بناءً علی وجوب الاجتناب عن كلا المشتبهین، فهو فی حکم الميتة من حیث الانتفاع، فأکل المال بإزائه أکل للمال بالباطل، كما أنّ أکل کلّ من المشتبهین فی حکم أکل الميتة.»^۱

توضیح:

۱. همانطور که بیع میت به تنهایی جایز نیست، بیع میت به ضمیمه مذکی هم جایز نیست.
۲. اگر میت و مذکی را با هم فروخت و هر یک از آنها از هم معلوم است بیع در مذکی صحیح است و در میت باطل است. (چنانکه در کتاب البیع مطرح می شود)
۳. و اگر با هم مشتبه شده اند، بیع جایز نیست [نه در مذکی و نه در میت] چراکه از مبیع نمی توان انتفاع برد مطلقاً. چراکه از طرفین شبهه باید اجتناب کرد.
۴. پس همانطور که اکل مال در مقابل میت، اکل بالباطل است، اکل در مقابل مشتبه هم - چون دارای منفعت محله نیست - اکل بالباطل است.